

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: توماس برگر
برگردان: دیلوم انجنیر نسرین معروفی
۱۰ اگست ۲۰۱۸

اعتراضات هزاران نفری

رئیس جمهور سابق سریلانکا "راجاپکزا" و طرفداران وی علیه سیاست دولت، دست به اعتراض زدند. کشور عمیقاً در حالت دو پارچه شدن است.

هزاران نفر از مخالفان دولت برای پنج روز تا روز دوشنبه گذشته در سریلانکا راهپیمایی اعتراضی به طول حدود ۱۲۰ کیلومتر از شهر کهنه شاهی "کندی" در مرکز کشور تا شهر "کلومبو" در راه بودند. این سفر "زیارتی" به طور واضح قدرت نمایی رئیس جمهور سابق "مهندا راجاپکزا" را که در ماه جنوری سال گذشته از اریکه قدرت برکنار شده بود، نشان می داد.

طرفداران رئیس جمهور سابق "راجاپکزا" می خواستند با این راهپیمایی پیام واضح خود را به دولت بفرستند که: کشور هنوز هم دوپارچه است و تفرقه بین خلقها عمیق است. همچنان سالها بعد از ختم جنگهای داخلی، هنوز هم میان "سینگالی ها"، "تمیل ها" و "مسلمانان" تنش محسوس است.

"راجاپکزا" می داند که مخصوصاً بخش ملی گرایانه "سینگالیهای" بودائی که اکثریت جامعه را تشکیل می دهند، در کنار وی هستند و اضافه بر آن می تواند در آینده یک قسمتی زیاد از چپی هائی را که آنها با "حزب اتحاد ملی" که حزب صدراعظم "رانیل ویکریم زینگهی" که به نیولیبیرال میلان دارد، مشکلات خود را دارند، آنها را هم به دور خود جمع نماید.

"راجاپکزا" با وجود هدف اجتناب ناپذیر خود، نتوانست دسترسی پیدا کند: آنها موفق نشدند، که دولت را بی ثبات بسازند. قضیه به عکس آن است.

طوری که بعضی از جریده ها در شروع هفته توضیح دادند که ائتلاف تشکیل شده "او ان پ UNP" و اکثریت "حزب آزادی سریلانکا SLFP" توسط رئیس جمهور "میتھرپالا زیریزنا" تحت فشار شدید قرار دارند.

لاکن این رویداد همچنان واضح ساخت که "اس ال اف پ" در آینده هم دو پارچه است. حد اقل یک سوم حزب هنوز هم وفادار در عقب رئیس جمهور سابق خود "راجاپکزا" قرار دارند و از وی پشتیبانی می کنند. ۴۰ نفر از نمایندگان پارلمان مخصوصاً در افتتاح ضیافت راهپیمایی حصه گرفتند.

ادارات دولتی در صدد شدند تا این راه پیمائی را مانع شوند. چنانچه بعد از تصمیم گیری یک محکمه، مظاهره چیان مجبور بودند تا سرآغاز تظاهرات را در حومه شهر "کندی" انتقال دهند، ظاهراً به دلیل مسایل امنیتی. مگر مخالفان دولت به عکس آن را پلان نمودند، آنها راهپیمائی را مخصوصاً به نسبت جلب توجه تماشاچیان در مرکز شهر شروع نمودند.

ادارات دولتی، از اجازه دادن به درخواستی که سازماندهندگان جهت استفاده از محوطه پارک به نسبت فینال بزرگ در کولمبو داده بودند، ابا و ورزیدند، طوری که آنها مجبور به تغییر مکان در "لیپتون سیرکوس" شدند. "راجاپکزا" با وجود این خود را جنگجویانه وانمود کرده گفت: این راهپیمائی در مجموع فقط یک "خود را گرم گردن" بود، ولی به زودی از این راهپیمائی یک جنبش بزرگ مردمی به وجود خواهد آمد، جنبشی که دولت بر سر اقتدار را از مقامش به دور بیندازد.

"راجاپکزا" با اظهاراتی که نمود، توانست گوشهای طرفداران خود را باز نگهدارد. آنها دولت را ضمن مسایل دیگر متهم می سازند به این که وعده هائی را که دولت در زمینه توسعه مسایل سوسیال و اقتصاد نموده بود، همه وعده های پوچ و میانخالی بود.

کابینه و دیوان سالاری وزارت خانه ها، باد کردن پندیدن، تعقیب به شکل شکار "جادوگر" علیه نمایندگان دولت پیشین سازماندهی شده بود و در مباحثه روی قانون اساسی جدید، بودائی ها را مورد حمله قرار دادند.

"سیریزینا" و "ویکریزمازینگهی" مشترکاً همراه با جامعه بین المللی در جست و جوی راه مصلحه شدند که چطور گذشته جنایتکاران و کسانی که باعث نقض حقوق بشر در زمان جنگهای داخلی (۲۰۰۹-۱۹۸۳) شدند، انتقادی تحلیل کرده شود. به همین دلیل بود که هردو را به سنگین ترین اتهام که "خیانت به وطن" است، متهم نمودند دولت بر سر اقتدار البته دائر کردن رسمی یک محکمه را تحت چتر حکمرمائی ملل متحد رد می کند، لکن لفظی آماده مذاکره است.

در مقابل "راجاپکزا" در دوران خدمت خود هر نوع سعی و تلاش را به خرچ داد، تا از رفتار نابجای نیروی مسلح که در تهاجم نهائی علیه شوریشیان تمیلها در پیش گرفته بودند، جلوگیری شود.

در جنگهای اخیر که در ماه اپریل و می سال ۲۰۰۹ به وقوع پیوست نه تنها افراد ملکی بیشمار کشته شدند بلکه رهبری "الت ت ای" و بنیانگذار آن "ویلویلائی پراباکاران" کاملاً از بین برده شدند، بعد ها کادر های قلمداد شده بیشمار "الت ت ای" در انبار ها انداخته شدند که تا به امروز ناپدید هستند و زنده و مرده آنها معلوم نیست.

افزوده مترجم:

سريلانکا در شرق و نوک جنوبی قاره بزرگ هندوستان موقعيت دارد. نفوس این کشور ۲۰.۳ میلیون است. سريلانکا با موقعيت جغرافيايي که دارد از نگاه ستراتيژيک از دوران باستان تا اينک محل تقاطع خطوط حمل و نقل سفرهای دريائي میان جلو و جنوب آسيا را ايجاد نموده.

امروز ملت سريلانکا با ادیان و نژاد های مختلف زندگي می کنند. در کنار دين بودائي و هندوئی، دين عيسوی و اسلام از جمله ادیان مهم هستند.

اکثريت خلق سريلانکا را سينگالي ها تشکيل می دهند در مقابل تمیلها در اقلیت هستند و به همین ترتیب اقلیت های خرد و کوچک دیگری مانند موز، مالائی، بورگهر و ساکنان اصلی سريلانکا که ویداس ها هستند.

کشور سريلنکا به توليدات و صادرات چای(سيلون)، کافی، کوچوک و ناربال مشهور است و همچنان نظر به داشتن طبيعت زیبای این کشور و ميراث فرهنگی آن مورد علاقه خاص جهانگردان قرار دارد.

این بود بسيار فشرده در باره کشور سريلنکا، اما زمانی که ما تاريخ اکثر کشور های آسیائی و افریقایى و به همين ترتيب کشور های امریکای جنوبی و وسطی را از نظر می گذرانيم دیده می شود که این کشورها متواتر تحت استعمار کشورهای اروپای غربی قرار داشتند و هر کدام از این کشورها با تجاوزات وحشیانه و ضد بشری، خلقها را مورد استثمار قرار دادند و منابع طبعی آنها را تا توانستند به غارت بردند و دشواری های نژادی و قومی و دینی و مذهبی را دامن زدند، که تا امروز منجر به جنگهای داخلی در بسیاری از کشور ها مانند کشور سريلانکا گرديده است

سريلانکا دو هزار سال تحت حکمرانی شاهان محلی مختلف بوده، تا قرن ۱۶ که قسمت بزرگ این جزيره توسط پرتگاليها و بعد از آن توسط هالنديها تحت استعمار قرار گرفته بود و فقط حکمرانان "کندی" در سرزمینهای کوهستانی این جزيره بودند، که توانستند عليه استعمارگران بجنگند و منطقه خود را از نفوذ استعمار حفظ نمایند، اما از سال ۱۸۱۵ با تجاوز بریتانیائی ها این کشور کاملاً تحت تصرف استعمار بریتانیا قرار گرفت و در جمله بخشی از امپراتوری جهانی بریتانیا درآمد.

سرزمین سريلانکا در زمان جنگ دوم جهانی به حیث مهمترین پایگاه متحدان جنگ عليه چاپان مورد استفاده قرار داشته است.

از شروع قرن ۲۰ گرایش از یک جانب استقلال طلبانه خلق سريلانکا قوی تر شده می رفت و از جانب دیگر دولت بریتانیا کشور سريلانکا را آنقدر مورد چور و چپاول قرار داده بود و خلقهای آن را استثمار کرده بود، که بالاخره بعد این که اهداف سیاسی و منافع اقتصادی خود را کاملاً برآورده ساخت، در سال ۱۹۴۸ بود که بعد از مذاکرات و تعاملات صلح آمیز کشور و خلق سريلنکا از یوغ استعمار بریتانیا به اصطلاح آزاد شدند.

اما، طوری که ما می دانيم استعمارگران چه در شرایط استعمار و چه هم خارج از آن هيچ زمانی از مداخلات ضد بشری خود در امور و مسائل داخلی و اوضاع خارجی کشور ها دست بردار نیستند. استعمارگران چه خود در یک کشور حاضر باشند و پایگاههای نظامی خود را داشته باشند و چه هم خود مسقیم در آن کشور جاگزین نباشند، با آنها با غرور امپریالیستی و قدرت طلبی که دارند، از مداخله در امور کشور ها دست بردار نیستند. حتا از کشوری مانند افغانستان که دو قرن خلق افغان درگیر با تجاوز و نفوذ بریتانویها بوده . ولی مردم آزادیخواه افغانستان با مبارزه و جانثاری در راه حصول استقلال کشور از یوغ استعمار، در مرداب اسارت و بردگی نغلتیدند. با حفظ وحدت ملی و روحیه ضد تجاوز و با نثار خون هزاران شهید بود که شکست مفتحضانه استعمار برتانیه، این دشمن دیرینه افغانستان را ثبت کتبیۀ خرائین تارخ نمودند. اما کجاست شرم و حیاء. با وجود آن رشادت ها افغانستان تا به امروز عرصه بیداد متجاوزان و غارتگران، دزدان و چپاولگران است.